



دانشی برسد که جمشیدی موفق شد با ایفای نقش بازیس پشارت علاوه بر یک نقش آفرینی درخشان به شکل کامل از پرسونای کمیک تثبیت شده خود خارج شده و خود را به عنوان یک بازیگر همه فن حریف و قابل اعتماد معرفی کند. بازیگری که به نظر می‌رسد مسیر درخشان طولانی‌تری در پیش دارد.

ساخته سامان مقدم و فیلم «خوب بد جلف ارتش سری» و تعدادی فیلم و سریال کم‌اهمیت‌تر و گمنام‌تر سال‌های آخر دهه ۹۰ را باز هم با موفقیت و کامیابی سپری کرد. کمدی فانتزی موفق سرورش صحت یعنی فیلم «جهان با من برقص» و سریال دیدنی «زیرخاک» ساخته جلیل سامان، پیمان را در هر دو عرصه سینما و تلویزیون در جایگاهی بالا نگاه داشتند تا نوبت به فیلم درخشان «علفزار» ساخته کاظم

آنچه که نام او در جریان معرفی نامزدهای دریافت جایزه نقش مکمل مرد اختتامیه جشنواره سی و ششم قرائت شد و عده‌ای به این اعلام خندیدند. واکنش پیمان جمشیدی به این خنده‌های سخره‌آمیز و غیرمحترمانه، سکوت و جدیت بود و مهم‌تر از همه اینها مصمم‌تر شدن در مسیر رو به جلویی که تا آن زمان طی کرده بود. جمشیدی پس از بازی در دو فصل از سریال «دیوار به دیوار»

چشمه‌جوشان استعدادش قدر ببیند. البته جمشیدی برای پیمودن سریع پله‌های موفقیت تنها به غریزه و شانس بسنده نکرد و تلاش کرد با شرکت در کلاس‌های آموزش بازیگری و برقراری ارتباط با نتاتر صحنه‌ای، کیفیت کاری خود را ارتقا دهد. در میانه این موفقیت‌های تحسین‌آمیز البته یک موقعیت ناخوشایند هم در سال‌های پرفروغ کاری جمشیدی رخ داد:

## گزارش «ایران» از میزبانی سینما آزادی در جشنواره فیلم فجر نیاز به شیوه‌های نوین در سینماداری در سینماهای مردمی فجر داریم



بنابراین خود ستاد متولی اصلی این مسائل است و باید در رابطه با آنها تصمیم بگیرد و اقدام کند.» وی در مورد این که در دوره برگزاری جشنواره فجر می‌تواند به همراه مردم فیلم ببیند یا نه، اظهار می‌کند: «زمانی که مدیر سینما نبودم، بیشتر فیلم می‌دیدم. الان خیلی به ندرت و خیلی سخت می‌توانم تا انتهای فیلم را در سینما بنشینم و پیش نمی‌آید که یک فیلم را کامل بتوانم ببینم.»

او می‌گوید قبل‌ترها به‌عنوان تماشاگر هم بیشتر مشتری سینما آزادی و سینماصحرای بوده است و می‌گوید: «فیلم «بی‌پولی» یکی از فیلم‌هایی است که برای آن در صف ایستاده اما نهایتاً موفق به خرید بلیت نشده است. او اصلی‌ترین چالش سینماداری در دوره برگزاری فجر را قدیمی بودن طرز تفکر مدیریتی درباره سینما می‌داند و تأکید می‌کند: «ما می‌خواهیم با همان شیوه‌ای که در دهه ۷۰ و ۸۰ جشنواره را برگزار می‌کردیم در دهه اول ۱۴۰۰ هم به همان روش سینما و جشنواره را مدیریت کنیم و داریم اشتباه می‌کنیم! دیگر نمی‌شود با همان مدل سال‌های ۷۰ و ۸۰ جشنواره برگزار کرد. همه چیز عوض شده، مخاطب عوض شده، نگاه مخاطب عوض شده، شیوه‌های اطلاع‌رسانی عوض شده، نحوه بازاریابی برای کالاهای هنری عوض شده و دیگر نمی‌توانیم با همان شیوه‌ها جشنواره برگزار کنیم و انتظار داشته باشیم مخاطب به سینما بیاید.»

او تأثیر برگزاری فجر در فروش سالانه سینما را منفی ارزیابی می‌کند و معتقد است مخاطبی که در طول جشنواره، به تماشای فیلم‌ها می‌آید بعد از جشنواره، دیگر مشتری محسوب نمی‌شود و با تغییراتی که در صنعت تصویر اتفاق افتاده اگر سینما بخواهد در این رقابت باقی بماند باید تحرک بیشتری از خود نشان دهد و از فرصت جشنواره برای برکشیدن خود در این رقابت، بهره لازم را ببرد.

سینما داشته است. نوروزی اما به مسأله مهم تبلیغات در جشنواره فجر اشاره می‌کند و می‌گوید: «تجهیزات سینمایی یکی از مسائل است اما بیشتر در بحث تبلیغات، جشنواره باید اقدامات جدی‌تری داشته باشد، آفرهای مؤثرتری پیش روی مخاطبان گذاشته شود علی‌الخصوص به این خاطر که مخاطب فجر، مخاطب عادی نیست و تماشاگر پیگیر سینماست و باید سرویس‌های خاصی را برای او در نظر گرفت.»

او ادامه می‌دهد: «متأسفانه چون هر سال همه چیز جشنواره باز هم دقیقه‌نودی می‌شود، باز هم این موارد از یاد می‌رود. ما در دوره‌ای می‌دیدیم که مردم برای تماشای فیلم‌های جشنواره صف می‌بستند اما به مرور کم‌رنگ شده است. این ضعف ربطی به این دولت و آن دولت هم ندارد بلکه مسأله این است که هیچ‌وقت ماجرا از این زاویه جدی گرفته نشده است.»

انجمن صنفی سینماداران، یکی از نهادهای متولی و اثرگذار در حوزه سینماداری است که می‌تواند در جشنواره فجر هم به‌عنوان یکی از نهادهای کنشگر در حوزه سیاستگذاری مشارکت داشته باشد و به‌عنوان اصلی‌ترین پایگاه میزبان مخاطبان مردمی برای مدیران جشنواره، طرف مشورت قرار بگیرد.

نوروزی اما در این رابطه می‌گوید: «همه چیز درباره جشنواره فجر خصوصاً در مدت زمان برگزاری در ستاد جشنواره، متمرکز می‌شود.

سینما آزادی نیازی به معرفی ندارد. شاید بتوانیم آن را سلبریتی سینماهای تهران و شاید کشور بدانیم.

سینمایی که پیش از انقلاب با نام سینما شهر فرنگ در سال ۱۳۴۸ آغاز به کار کرد، بعد از انقلاب به «آزادی» تغییر نام داد و آتش‌سوزی سال ۱۳۷۶ این سینما را مشهورتر از همیشگی کرد. در طول تمام این سال‌ها، سینما آزادی همراه جشنواره فجر در سینماهای مردمی بوده است.

سجاد نوروزی آخرین مدیر این سینما که حدوداً چهار سال است در جایگاه مدیریت آن قرار دارد، درباره تجربه میزبانی جشنواره در سینما آزادی می‌گوید: «از سال ۹۸ که در سینما آزادی در خدمت مردم هستم هر سال نکات و ایده‌هایی برای برگزاری بهتر جشنواره در سینماهای مردمی داشته‌ام اما به نظر من در ادوار مختلف جشنواره خصوصاً در طول ۸ سال اخیر به سینماهای مردمی، نگاه تزئینی می‌شود و چندان جدی گرفته نمی‌شود، به همین دلیل در این حوزه شاهد رشد مخاطب و ایجاد مخاطب جدید نیستیم.»

او علت اصلی این اتفاق را سیاستگذاری و وقت‌نگذاشتن برای ایده‌یابی و مدیریت جشنواره می‌داند و ادامه می‌دهد: «با سیاستگذاری‌ای که در طول ۸ سال اخیر در حوزه سینماهای مردمی فجر شاهد بوده‌ایم، مرتباً مخاطب را از دست داده‌ایم.»

اما علل کاهش مخاطب سینما موضوعی فراتر از جشنواره فجر است که به مسائل درونی و بیرونی ساختار سینما باز می‌گردد. تغییرات صنعت سرگرمی و تصویر در جهان و بالا رفتن دسترسی‌های عمومی به محصولات فرهنگی و هنری از یک سو و کاهش توان اقتصادی و تشتت در فرایند گزینش‌گری فرهنگی از سوی دیگر، تأثیر بسزایی بر استقبال مخاطبان از

### گزارش روز

فاطمه ترکاشوند  
روزنامه‌نگار



استقبال مخاطب از اثر چطور باشد؟ من از زاویه نگاه خودم می‌توانم این طور بگویم که در مورد کارهایی که انجام می‌دهم خیلی سختگیرم و در مورد این اثر

را دو چندان می‌کنم. اما روزی که برای اکران خصوصی خودمان حضور پیدا کردم انتظار نداشتم چنین کاری را روی پرده ببینم. مطمئنم که «بچه زرنگ» همه را شگفت‌زده خواهد کرد و اصلاً قابل قیاس با کارهای قبلی خود «هنر پویا» نیست و سطح آن بالاتر از همه انیمیشن‌های ایرانی است که تاکنون مردم دیده‌اند. قول می‌دهم که همه تعجب کنند! مهم‌ترین بخش

این غافلگیری هم همان روایت است که ما همیشه در آن ضعف داشتیم. اما «بچه زرنگ» با اصلاحات و تغییراتی که هنر پویا در طول فرایند ساخت اعمال کرده خوب پیش می‌رود و روایتش را جا می‌اندازد. من فکر می‌کنم که بچه زرنگ برای کودکان هم جذابیت دارد و هم متوجهش می‌شود.

آینده انیمیشن ایران را مثبت می‌بینید؟ انیمیشن در ایران خیلی مستعد است ولی انیمیشن، یک کار دلاری است و همه نیروهایی که برای انیمیشن کار می‌کنند پیشنهاد انجام

همان کار را به قیمت دلاری از کشورهای دیگر هم دارند بدون اینکه لازم باشد از ایران خارج شوند. همین الان هم تک‌تک نیروها احتمالاً دارند همین کار را می‌کنند. رقابت برای اینکه یک استودیو بتواند نیروهایش را نگه دارد، زیاد است و یک کمپانی ایرانی در این فضا مجبور است با قیمت‌های جهانی رقابت کند تا نیروهای خودش را حفظ کند. این مسأله خیلی کار را سخت کرده و عملاً آینده انیمیشن ایران به بحث اقتصادی گره خورده است. بنابراین آینده انیمیشن ایران را نگران‌کننده می‌بینم. سرنوشت انیمیشن ما با دلار گره خورده درحالی که دقیقاً به نقطه پرش رسیده‌ایم و در برهه‌ای قرار داریم که درست در نقطه طلایی رشد است.

بچه زرنگ پس از اتمام فیلمنامه داشتیم که ناشی از بازخوردهای دریافت شده از مخاطب و همچنین مشورت با برخی کارشناسان بوده است.

نزدیک به یک دهه است که مخاطب کودک با آثار «هنر پویا» آشنا شده و برای آنها اشتیاق هم دارد اما در بهترین حالت هر دو سال یک اثر تولید می‌شود. چه بخشی از تأخیر به فقدان متن خوب

یا زمان بر بودن آن باز می‌گردد؟ نگارش فیلمنامه بچه زرنگ حدود ۷ ماه زمان برد و درست است که بعد از آن، با یک فاصله یکی دو ساله مراحل تولید و ساخت اثر شروع شد اما باز هم عملاً فیلمنامه متوقف نشد و اصلاحات دائمی در پروسه ساخت وجود دارد که به ذات خود انیمیشن برمی‌گردد. در تولید انیمیشن در واقع دارید از هیچ، شخصیت و قصه می‌سازید، نه بازیگری وجود دارد و نه دکوری. همه اینها ساخته می‌شود. در فیلمنامه فیلم رزال، یک توضیح صحنه مختصر کافی است اما در انیمیشن هر چقدر هم توضیح بنویسید باز هم چیزی کم است. اینها فیلمنامه‌نویسی انیمیشن را تبدیل به پروسه‌ای می‌کند که همراه با مراحل ساخت پیش می‌رود و تکامل پیدا می‌کند.

این را باید دلیل تأخیر در نمایش آثار دانست؟ تولید انیمیشن به‌صورت کلی نسبت به آثار رزال زمانبر است، چرا که یک اثر انیمیشن سه چهار سال زمان برای تولید نیاز دارد. در اثر بچه زرنگ باندی کرون و برخی موارد دیگر در طولانی‌تر شدن پروسه تولید تأثیرگذار بود و باز خورد نمایش فیلیشاه در سینماها و توقف پروژه برای ارتقای کیفیت آن هم عوامل دیگری است که در زمانبر شدن تولید اثر نقش داشته است. رندرینگ و بخش فنی تولید هم خیلی زمان‌بر بود. به علاوه که تولید انیمیشن، بودجه قابل توجهی می‌طلبد و هر قدر جذب اولیه درست باشد با بروز مشکلات اقتصادی پروسه ساخت زمان‌برتر می‌شود.

پیش‌بینی‌تان این است که از جهت فنی

خیلی شبیه به خود بچه‌هاست و دنیای آن هم امروزی است و قصه‌اش هم در همین شرایط زمان حال می‌گذرد. به همین خاطر معتقدم این انیمیشن موفق‌تر از قبل خواهد بود.

فرایند فیلمنامه‌نویسی برای انیمیشن چه تفاوتی با فیلم دارد؟ آیا در فرایند تولید هم تغییرات مداومی با توجه به کارگردانی و صدای پیشگی ممکن است اتفاق بیفتد؟

«هنر پویا» یک شورایی دارد که این شورا از طرح، ایده تا مراحل بعد یعنی سناریس و فیلمنامه و بعد از آن همه تغییرات و آداتپه کردن با اقتضانات ساخت اثر را به طور مستمر دنبال می‌کند. چیزی هم که تولید را سخت می‌کند همین دقت و حساسیت‌های «هنر پویا» روی متن است. پروسه فیلمنامه در انیمیشن خیلی طولانی‌تر است و قابل قیاس با نوشتن فیلمنامه فیلم رزال و حتی سریال نیست چون در انیمیشن هزینه دور ریختن یک پلان می‌تواند به اندازه هزینه دور ریختن چند روز فیلمبرداری باشد به همین خاطر اصلاً نمی‌شود روی متن، ریسک کرد و یک متن ساده نوشت و بعد مدام آن را تغییر داد چون هزینه‌های ساخت خیلی بالاست. از طرف دیگر گروه هنر پویا روی اصل محتوا و پیامی که به مخاطبان انتقال می‌دهد تمرکز و دقت بالایی دارد و همه این نکات حساسیت نوشتن فیلمنامه را بیشتر هم می‌کند ولی بالاخره با همه این توضیحات ما تغییرات جدی در



### دوری از جریان حال سینمای ایران

رضانجانی: روز اولی که به دفتر آقای بابایی رفتم، گفتند من تلاش می‌کنم (لطفاً دقت کنید من ادعایی نکردم و ندارم فقط می‌گویم تلاش کردیم) یک فیلم شریف بسازم. سعی کردیم از جریان حال سینمای ایران دور شویم و به حال جدیدی در سینمای ایران برسیم. احساس می‌کنم که فیلم شریفی کار کردیم و قابل دفاع است و می‌توانیم پایش بایستیم.

ستاد خبری جشنواره



### مدام با افراد معتاد در ارتباط بودم

سارا حاتمی: اولین تجربه بازیگری من سریال «زخم کاری» بود و این دومین تجربه کاری من است. از زمانی که متوجه شدم که باید این نقش را بازی کنم تقریباً هر روز با افراد معتاد ارتباط برقرار می‌کردم تا مدل زندگی شان را بدانم. به کمپ‌های ترک اعتیاد می‌رفتم، پرس و جو کردم و تحقیقات مختلفی داشتیم. در پیش تولید تمرین‌های مختلفی داشتیم تا باورپذیر نقش شکل بگیرد.

نشست خبری جشنواره

